

به نام خدا

دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد

نویسنده: آنا گاوآلدا

مترجم: الهام دارچینیان

نشر قطره، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۳

«همه دنبال عشق هستیم اما ای کاش راه و رسم عاشقی را
می دانستیم.»

فهرست مطالب

۲	۱ نویسنده
۳	۲ مترجم
۳	۳ درباره کتاب
۵	۱۰۳ بخش‌هایی منتخب از کتاب
۶	۴ مشکلات نوشتاری کتاب
۷	۵ امتیاز رمان
۷	مراجع

۱ نویسنده



آنا گاوالدا- متولد ۱۹۷۰ (به فرانسوی: Anna Gavalda) رمان‌نویس قرن بیستم میلادی اهل فرانسه است. از او تاکنون چندین رمان کوتاه به فارسی برگردانده شده است [۱].

آنا گاوالدا از معروف‌ترین چهره‌های امروز رمان‌نویسی در فرانسه است. او در یک خانواده از طبقه بالا و در حومه‌ی پاریس متولد شده است. در مدتی که به عنوان معلم دبیرستان مشغول به کار بود، اولین مجموعه داستان کوتاه خود را به چاپ رساند که با استقبال منتقدان روبرو شد و همچنین یک موفقیت تجاری به شمار می‌رود. این مجموعه داستان با عنوان دوست داشتم کسی جایی منتظرم

باشد، پس از فروش چشمگیر در فرانسه، به زبان‌های زیادی ترجمه شد و شهرت جهانی را برای این نویسنده جوان به ارمغان آورد [۲].

رمان کوتاه من او را دوست داشتم، با الهام از زندگی شخصی او و شکست در زندگی مشترکش نوشته شده است. این کتاب نیز همانند اثر قبلی به فروش قابل توجهی دست پیدا کرد، به زبان‌های مختلفی ترجمه شد و زنان بسیار زیادی در سراسر دنیا با این کتاب گریستند. رمان کوتاه ۳۵ کیلو امیدواری به فاصله کمی بعد از کتاب قبلی منتشر شد و گاوالدا این کتاب را برای آن دسته از دانش‌آموزانش نوشته است که قوه یادگیری کمتری در مدرسه داشتند ولی در واقع انسان‌های فوق‌العاده‌ای بودند. موفقیت بزرگ بعدی این نویسنده با انتشار کتاب گریز دلپذیر رقم خورد. همانند کتب قبلی آمار فروش این کتاب در دنیا بسیار بالا گزارش شده است [۲].

موفقیت آنا گاوالدا در زمینه‌ی رمان‌نویسی سیر صعودی متناوبی داشته است و مخاطب اصلی او عموماً بانوان از طبقه‌های مختلف اجتماعی هستند. طرفداران گاوالدا معتقدند شخصیت‌های کتاب‌های او بسیار به انسان‌های واقعی در زندگی نزدیک هستند و درگیر موضوعاتی مشابه با دغدغه‌های روزانه، احساسی و اجتماعی خودشان هستند. این موضوع باعث انتقال حس هم‌ذات‌پنداری قوی به مخاطب می‌شود [۲].

دو فیلم *Hunting and Gathering* و *Someone I Loved* به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۹ از روی کتاب‌های وی ساخته شده‌اند.

در مرجع [۲] مصاحبه‌ای با وی آورده شده است.

آثار نویسنده

جایزه	مترجم و ناشر	سال انتشار	نام اثر	ردیف
	الهام دارچینیان، نشر قطره ناهید فروغان، نشر ماهی	۱۹۹۹	دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد (کاش کسی جایی منتظرم باشد)	۱
	الهام دارچینیان، نشر قطره ناهید فروغان، نشر ماهی	۲۰۰۲	من او را دوست داشتم (دوستش داشتم)	۲
	آتوسا صالحی، نشر افق	۲۰۰۲	۳۵ کیلو امیدواری	۳
		۲۰۰۵	Hunting and Gathering	۴
	الهام دارچینیان، نشر قطره	۲۰۰۸	گریز دلپذیر	۵
	عاطفه حبیبی، انتشارات چترنگ	۲۰۰۹	پس پرده	۶
		۲۰۱۱	Breaking Away/French Leave	۷
	شهرزاد سلحشور، نشر قطره	۲۰۱۴	زندگی بهتر	۸
	شهرزاد ضیایی، نشر شمشاد	۲۰۱۵	بیلی	۹
		۲۰۱۷	Fendre l'armure	۱۰

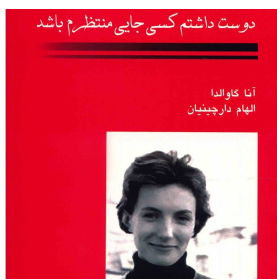
۲ مترجم

عکسی از این مترجم در دسترس نیست!

الهام دارچینیان متولد ۱۳۵۴ تهران، کارشناسی ارشد زبان شناسی دارد و تاکنون آثار متعددی را از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه و منتشر کرده است. «بانوی شکسته» از سیمون دوبووار، «پيله عشق» از آلساندرو باریکو، «هنر زیستن» از پیرال، «و اگر حقیقت داشت» مارک لویی و رمان «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» از آنا گاولدا و کتاب معروف «نامه به پدر» از کافکا و... از جمله این آثار است [۴].
در مرجع [۴] مصاحبه کوتاهی با وی شده است.

۳ درباره کتاب

کتاب «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» در ۲۰۰ صفحه توسط نشر قطره و به ترجمه الهام دارچینیان به چاپ رسیده است. این کتاب در ایران به چاپ بیست و دوم هم رسیده است! کتاب از ۱۲ داستان کوتاه، با مضمون‌های عشق و شکست عشقی و اتفاقاتی که برای زنان داستان می‌افتد، تشکیل شده است.
کیفیت ترجمه را می‌توانید در مرجع [۵] ببینید! گرچه من فرانسه بلد نیستم، اما با توجه به مستندات که در این مرجع وجود دارد، ترجمه



افتضاح است. البته بنده هم مشکلات عجیب و غریبی را از متن فارسی پیدا کرده‌ام که بعداً ذکر خواهم کرد. در ابتدای کتاب، درباره نویسنده به خوبی توضیح داده شده است و خواننده می‌تواند اطلاعات خوبی در مورد وی کسب کند. فقط ای کاش، چندبار ویرایش می‌گردید تا کتاب‌ها و کارهای جدید نویسنده به آن اضافه می‌گردید.

نوع بیان داستان‌ها به گونه‌ای است که گاهی راوی با خواننده حرف می‌زند و وی را مخاطب خود قرار می‌دهد. همچنین، لحن شوخی در برخی داستان‌ها مشهود است.
بررسی ۱۲ داستان به صورت اجمالی:

۱- در حال و هوای سن‌ژرمن: این داستان بسیار گیج‌کننده بود. پایان شک‌برانگیزی داشت. البته احتمالاً به دلیل ترجمه بد آن، مفهوم داستان گیرایی نداشته است.

۲- سقط جنین: داستان تکراری است. از اسم داستان معلوم است! در مورد سقط جنین توسط یک مادر و درگیری‌های احساسی وی است.

۳- این مرد و زن: داستان آبکی است. داستان زن (ماتیلدا) و مردی که به وی خیانت می‌کرده است و ظاهراً پولدار بوده‌اند.

۴- آپل تاج: خیلی بهتر از سه داستان قبلی بود. دل مشغولی‌های یک دختر، در پاریس است که به دنبال عشق و گم‌شده خود است.

۵- آمبر: داستان‌ها باز هم در حال بهتر شدن هستند. داستان در مورد یک مرد خواننده، آهنگ‌ساز و دختربازی است که عاشق یک عکاس معمولی می‌شود و نمی‌داند باید چگونه رفتار کند. تم داستان تکراری است.

۶- مرخصی: داستان جالبی بود. در مورد پسری است که در حال گذراندن دوران سربازی است. وی به شدت تحت‌تاثیر برادر خود است و اعتماد بنفس ندارد، اما عاشق دختری می‌شود و ...

۷- حقیقت روز: این داستان برخلاف بقیه اصلاً عاشقانه نبود. شوک برانگیز و هولناک بود. داستان نشان می‌دهد که یک اشتباه کوچک چگونه فاجعه‌ای غیرقابل جبران به بار می‌آورد و وجدان فرد خاطی از هر کاری درمانده است.

۸- نخ بخیه: این داستان عاشقانه نبود. فکر کنم سانسور زیاد داشته است یا ترجمه خیلی بد بوده است، چون درک داستان واقعا سخت است.

۹- پسر کوچولو: داستان آبکی است. دو پسر بچه احمق که ماشین پدر خود را به خاطر عیاشی شبانه داغون می‌کنند.

۱۰- سال‌ها: ماجرای داستان با اینکه تکراری است، اما جالب و تأثیربرانگیز است. عشق قدیمی، که تمام فکر و ذکر مرد بوده است، بعد از ۱۰ سال باز می‌گردد. داستان در مورد تفکرات مرد، قبل و بعد از این ماجراست.

۱۱- تیک‌تاک: بد نبود. در مورد وصال دو عاشق به یکدیگر است.

۱۲- سرانجام: داستان جالب و جدیدی بود. در مورد ملاقات نویسنده با ناشری است که نوشته او را چاپ نمی‌کند.

در کل، کتاب بدی نیست. خیلی‌ها در goodreads از این کتاب بسیار بد گفته‌اند. برخی گفته‌اند حتی کتاب را نصفه ول کرده‌اند. بهر حال چند داستان اول اصلاً جذابی نیستند. اما رفته رفته داستان‌ها بهتر می‌شوند. اما این همه تبلیغ و رسیدن به چاپ بیست و دوم بسیار اغراق‌آمیز است. کتاب اصلاً در سطح بالایی نیست. خواندن این کتاب باعث شد، با سبک نویسنده آشنا شوم و کتاب‌های دیگرش را هرگز مطالعه نکنم! مگر اینکه شخص خاصی و به دلیل خاصی معرفی کرده باشد. چون سبک نویسنده اصلاً گیرایی ندارد. همانطور که در بسیاری منابع گفته شده است، داستان‌ها در مورد مشکلات زنان و اجتماعی است. به همین دلیل شاید درکش برای من، به عنوان یک مرد سخت بوده است.

۱.۳ بخش‌هایی منتخب از کتاب

با اینکه بخش‌های زیادی از این کتاب در اینترنت و فضای مجازی به عنوان جملات زیبا آورده شده است، اما من فکر نمی‌کنم کتاب خیلی حرف برای گفتن داشته باشد. در واقع، شما کتاب‌های بهتری پیدا خواهید کرد که همین حرف‌ها را زیباتر و رساتر بیان نموده‌اند.

«می‌دانم زن‌ها همیشه میل پنهانی دارند، میل به خوشگل شدن.» صفحه ۵۴

«می‌گویند ارتش از شما مرد می‌سازد، شخصاً باور دارم ارتش مرا بدبین‌تر از پیش کرده است.» صفحه ۷۷

«باید باور کرد، سختی و مشقت در زندگی روزی ثمر می‌دهد، گویی من در لحظه مناسب در جای مناسب

بودم، و تصمیم‌های درستی گرفتم... نمی‌دانم.» صفحه ۱۳۲

۴ مشکلات نوشتاری کتاب

مشکلات نوشتاری زیادی در متن وجود داشت. بنده متن ترجمه را با متن انگلیسی تطبیق نداده‌ام. اما با توجه به گفته‌های مرجع [۵] تطبیق متن ترجمه با متن فرانسه (که زبان اصلی کتاب است)، آن‌هم فقط داستان اول، فاجعه‌آمیز بوده است.

۱- بعد از ویرگول از «و» استفاده شده است. مشکل خیلی از کتاب‌ها است. در صفحات، ۱۸، ۲۰، ۲۵، ۵۲، ۶۲، ۷۳ و ... این مشکل وجود داشته است.

۲- مشکل عجیب در این کتاب، عدم استفاده از ویرگول در متن بود. نمی‌دانم من خواننده چگونه باید جملات طولانی را درک می‌کردم وقتی هیچ ویرگول یا نقطه‌ای وجود نداشت! در صفحات زیادی این مشکل وجود داشت.

۳- کلمه «خب» به اشتباه خوب ترجمه شده بود. آنقدر تعداد صفحات این اشتباهات زیاد است که از آوردن آن‌ها خودداری می‌کنم.

۴- چرا «و» در ابتدای پاراگراف استفاده می‌شود!!!! در صفحات ۴۲، ۵۲، ۶۶ و ۱۷۲ این مشکل وجود داشت.

جدول ۱: جمله‌هایی از متن که دارای مشکل هستند.

صفحه	جمله از متن	مشکل	جمله تصحیح شده
۳۵	کم گران نبود.	آخه این چه ترجمه‌ای!	گران نبود.
۴۰	وزنش را روی ترازو می‌گیرد.		وزنش را روی ترازو می‌خواند (می‌بیند).
۴۷	فعلا وقت رسیدن به چنین کاری را ندارد.	کلمات اضافی که ناشی از ترجمه بد است زیاد دیده می‌شود	فعلا وقت چنین کاری را ندارد.
۵۵	دختر لوسی را که سال آخر دبیرستان با هم هم‌کلاس بودیم، ...		دختر لوسی را که سال آخر دبیرستان هم‌کلاس بودیم، ...
۱۴۹	اغلب با دوستش ماری که تا آنجا که من می‌توانم از حرف‌هایش بفهمم ...		اغلب با دوستش ماری، تا آنجا که من می‌توانم از حرف‌هایش بفهمم ...

۵ امتیاز رمان

از این پس، سعی می‌کنم بخشی با عنوان «امتیاز رمان» در یادداشت‌هایم داشته باشم. در این بخش، به رمان از لحاظ محتوا، مترجم و ویراستار امتیاز بین ۱ تا ۱۰ داده می‌شود و میانگین آن‌ها به عنوان امتیاز نهایی رمان در نظر گرفته می‌شود.

جدول امتیازات رمان

نمره	موضوع	ردیف
۶	محتوا	۱
۴	مترجم	۲
۴	ویراستار	۳
۴/۶۷	امتیاز نهایی	

بهروز آدینه

۱۳۹۷/۰۳/۱۸

مراجع

- [1] www.wikipedia.org
- [2] www.ketabism.ir
- [3] www.seemorgh.com
- [4] www.magiran.com
- [5] www.qafaseh.com